



مشکلات حسابرسی واحدهای کوچک

● ترجمه و تلخیص : همایون مشیرزاده

در حسابرسی واحدها و موسسات کوچک ، مشکلات و ویژگیها نسی وجود دارد که غالب حسابرسان با آن آشنائی دارند . این ویژگیها و مشکلات عمدتاً ناشی از ماهیت خاص اینگونه موسسات میباشد : وضعیت خاص سازمان موسسات کوچک ، ضعف یافتن مکانیزم های کنترل داخلی ، دخالت صاحبان سرمایه در کار مدیریت و امثالهم محدودیتهائی را در بکارگیری بسیاری از روشها و تکنیکهای متداول حسابرسی ایجاد مینماید . این محدودیتهای در عمل باعث دشوارتر شدن کار حسابرس و حتی در مواردی موجب ناتوانی حسابرس در انجام وظایف حرفه ای خود طبق استانداردهای متداول میگردد . در تحقیقی که از تعداد ۱۴۲۱ حسابرسی و موسسه حسابرسی عضو انجمن حسابداران خبره امریکا بعمل آمده است ، عمده مشکلات اجرایی کار در بکارگیری استانداردهای متداول حسابرسی در موسسات و شرکتهای کوچک مطرح و گردآوری گردیده است . در این مقاله ضمن برشمردن این مسائل و مشکلات ، راه حلهائی برای برطرف کردن پاره ای از این مشکلات ارائه میگردد .

خصوصیات موسسات كوچك

اولین سئوالی که برای خوانندگان ممکن است ایجاد گردد آنست که اصولاً "موسسه یا واحد كوچك چیست و چه شرکتهائی كوچك محسوب میگردند . صرفنظر از حجم تولید معاملات و تعداد پرسنل و غیره ، موسسات كوچك ، حداقل از نظر حسابرسی آنها، دارای دو ویژگی هستند :

۱- تمرکز مالکیت و مدیریت موسسه در یک یا چند نفر مشخص و محدود .

۲- تفکیک محدود وظایف و مسئولیتهای داخل واحد .

علاوه بر این دو ویژگی ، پاسخ دهندگان به بررسی تحقیقاتی فوق الذکر ، خصوصیات دیگری را نیز برای موسسات كوچك عنوان نموده اند که اهم آنها بقرار زیر است :

۱- دخالت مستقیم و مباشرت صاحبان سرمایه در امر مدیریت .

۲- امکان مخدوش کردن ضوابط کنترلهای داخلی توسط مالکین یا مدیریت دستگاه .

۳- وجود مدیریت متمرکز (هیئت مدیره) بصورت تشریفاتی و فقط برای رفع نیارهای قانونی .

۴- فقدان دانش عمومی حسابداری و مدیریت مالی در بین مدیران .

۵- سهولت دسترسی کارکنان به داراییهای شرکت .

۶- فقدان مدارك مثبت لازم و کافی برای کلیه فعل و انفعالات مالی .

مقایسه استانداردهای حسابرسی

پاره ای از حسابداران و حسابرسان بر این باورند که در حسابرسی موسسات كوچك بایستی استانداردهائی بجز استانداردهای متداول حسابرسی که معمولاً برای موسسات بزرگتر پیش بینیی شده اند بکار گرفت . این عده معتقدند که اصولاً "استانداردهای متداول و عمومی حسابرسی نظیر بررسی و گزارش نقاط ضعف سیستم

کنترل داخلی موسسه برای شرکتهای کوچک مورد ندارد. در مقابل دسته ای دیگر بر این اعتقادند که استانداردهای حسابرسی عمومیست داشته فقط در حسابرسی موسسات کوچکتر بایستی دستورالعمل های اضافی جهت نحوه بکارگیری این استانداردها پیش بینی شود. گروه اول معتقدند که بسیاری از اصول حسابداری را که باتوجه به وضعیت شرکتهای بزرگ و نیازهای گزارش دهی آنها در نتیجه سالها تجربه بوجود آمده نمیتوان در مورد شرکتهای کوچک اعمال نمود و بنابراین بکارگیری استانداردهای حسابرسی بصورت عمومی و کلی برای موسسات کوچکتر بی مورد است. در مقابل طرفداران نظر دوم معتقدند که مسئله بکارگیری اصول و استانداردهای حسابداری در شرکتهای موسسات کوچکتر ارتباطی به نحوه حسابرسی آنها نداشته و استانداردهای حسابرسی بایستی بصورت متحد و یکنواخت مورد عمل واقع گردند.

مجامع حرفه ای بین المللی منجمله انجمن حسابداران خبره امریکا از نظر گروه دوم حمایت میکند. علیرغم این نظر، پاسخ دهندگان به بررسی تحقیقاتی مذکور در مقدمه فوق بعضاً "پیرو نظر گروه اول بودند و بیش از نیمی از آنها در پاسخ بسئوال مربوطه در پرسشنامه نظر اول را بیان نموده اند.

در بند های آتی سعی میگردد که عمده مسائل حسابرسی شرکتهای کوچکتر در رابطه بابکارگیری و رعایت استانداردهای حرفه ای حسابرسی بیان شود.

امکان حسابرسی موسسه و مسئله جامع بودن

پیش از قبول کار، حسابرس بایستی قاعدتاً نوعی شناخت عمومی در مورد شرکت صاحبکار پیدا کرده و مشخص نماید که آیا اصولاً شرکت مورد نظر رامیتوان مورد حسابرسی قرارداد یا خیر؟ بعبارت دیگر حسابرس بایستی بدو "قابلیت حسابرسی موسسه صاحبکار را ارزیابی نماید. منسجم بودن مدیریت شرکت و وجود کارکنان قابل اعتماد دستگاه دو عامل مهم برای برآوردن این مقصود

میباشند. بعلاوه حسابرس بایستی مشخص نماید که آیا قادر است و شرایط موجود صاحبکار، مدارک، مستندات، قرائن و شواهد کافی برای حصول اطمینان از وقوع حتمی فعل و انفعالات مالی شرکت که در حسابها منعکس است جمع آوری نماید یاخیر؟

از آنجائیکه موسسات کوچکتر فاقد سیستم حسابداری کامل و جامعی جهت گردآوری اطلاعات و ثبت و ضبط اطلاعات و دادهای مالی میباشند، ممکن است این مهم میسر نگردد.

یکی از مهمترین عوامل در برآورد قابلیت مورد حسابرسی قرار گرفتن موسسه، برآورد میزان اطمینان است که نسبت به ثبت و ضبط فعل و انفعالات مالی در حسابهای شرکت وجود دارد. پاسخی دهندگان به بررسی تحقیقاتی انجام شده، عموماً اشکالاتی را در جمع آوری مدارک و شواهد کافی دال بر جامعیت و کامل بودن سوابق حسابداری در شرکتها و موسسات کوچک بیان کرده اند. چهل و پنج درصد از پاسخ دهندگان اعلام داشته اند که در مواردی بالا اجبار فقط به تأیید نامه مدیران بعنوان تنها مدرک جامعیت و کامل بودن حسابها در موسسات کوچک اکتفا کرده اند (۱).

تأیید و کسب اطمینان از کامل بودن و جامعیت مدارک و حسابها عاملی مهم در تأیید صورتهای مالی است. بموجب استانداردهای حرفه ای متداول (۲) حسابرس بایستی موکداً مدارک مثبتة کافی در خصوص انعکاس و ثبت کلیه فعل و انفعالات مالی در حسابها و در نتیجه صورتهای مالی جمع آوری نموده و قانع گردد که حسابها جامعیت داشته و کامل هستند. در برنامه حسابرسی، معمولاً حسابرس از طریق

۱- طبق استانداردهای متداول حسابرسی تأییدنامه مدیران فقط بسط میتواند بصورت یکی از مدارک و شواهد جامعیت و کامل بودن حسابها که حسابرس میتواند اخذ کند، ملاک عمل واقع گردد.

بیانیه شماره ۱۹ استانداردهای حسابرسی انجمن حسابداران خبره امریکا این مورد را تصریح کرده است.

۲- بیانیه شماره ۲۱ استانداردهای حسابرسی انجمن فوق الذکر.

بررسی مدارك وشواهد موجود این مهم را در نظر قرار میدهد . به عنوان مثال جهت كسب اطمینان از انعكاس كلیه بدهیهای شرکت در ترازنامه ، حسابرس ممكن است پرداختهای بعد از تاریخ ترازنامه را بررسی نموده و مشخص نماید كه آیا هیچكدام از آنها در قبال بدهیهای ثبت نشده شرکت در ترازنامه بوده اند یا خیر؟ در مقابل زمانیكه حسابرس بخواهد از وجود قلم خاصی اذدارا ثبها در حسابها كسب اطمینان كند با بررسی مدارك ومستندات واخذ تأییدیه این امر را انجام میدهد. بعنوان مثال در مورد حسابهای دریافتنی و برای كسب اطمینان از وجود آنها، حسابرس با انتخاب چند قلم از حسابهای دریافتنی واخذ تأییدیه از طرف حسابها از وجود و مبلغ آنها كسب اطمینان میکند.

بررسی و ارزیابی كنترل های داخلی و حسابداری

نظرباینكه اغلب موسسات كوچك فاقد امکانات برای استخدام پرسنل كافی جهت تفكیک وظائف حسابداری هستند ، معمولاً در حسابرسی اینگونه موسسات ، حسابرسان نمیتوانند با آزمایش و بررسی كنترلهای داخلی میزان لازم آزمایشهای حسابرسی را مشخص نمایند ولیكن در چنین مواردی ممكن است حسابرس بسه بیراهه كشیده شده واقداماتی غیر ضروری انجام دهد. بر اساس نتایج بدست آمده از تحقیق فوق الذکر ، در مورد مطالعه و ارزیابی كنترلهای داخلی سردرگمی هائی وجود دارد. بیش از ۶۶ درصد پاسخ دهندگان اعلام داشته اند كه به رغم غیر قابل اطمینان بودن سیستم كنترلهای داخلی و حسابداری شرکت صاحبكار، در نمونه گیری ها ، آزمایشهای در زمینه تطبیق ثبت ها با موازین كنترل داخلی انجام داده اند.

بموجب استانداردهای پذیرفته شده ، در مواردیكه كنترلهای داخلی حسابداری دستگاه مورد رسیدگی قابل اعتماد نیستند ، حسابرس ممكن است بررسی كنترل های داخلی را فقط به درك محیط كنترل ونحوه جریان یا گردش اطلاعات مربوطه به فعل وانفعالات مالی در

داخل سیستم حسابداری محدود نماید (۲) .

درک محیط کنترل مشتمل است بر آشنائی حسابرس با ساخت سازمانی موسسه ، روشهای مورد عمل صاحبکار برای مشخص کردن وظایف و مسئولیتها و اختیارات و همچنین روشهای مورد عمل مدیریت به منظور نظارت بر سیستم کنترل . در یک شرکت کوچک محیط کنترل بطور مشخصی تحت تاثیر ویژگی اصلی موسسات کوچک (که همان تمرکز مدیریت و مالکیت و تفکیک محدود وظایف است) قرار دارد . بنابراین این شناخت محیط کنترل در حسابرسی یک شرکت کوچک معمولی بصرف وقت بسیار کمی نیاز خواهد داشت .

شناخت جریان فعل و انفعالات مالی بدین معنی است که حسابرس باید نسبت به نحوه گردش اطلاعات مربوط به فعل و انفعالات مالی و حسابداری در شرکت آشنائی پیدا کرده و از چگونگی انعکاس این اطلاعات در حسابها و در نتیجه در صورتهای مالی آگاهی یابد . بعبارة دیگر : حسابرس بایستی بداند که اقلام مختلف بدهکار و بستانکار به چه نحو در صورتهای مالی شرکت منعکس میگردند . درک این مطلب بحسابرس کمک خواهد کرد که آزمایشهای حسابرسی خود را طرح نماید و برنامه حسابرسی را به نحو مناسبی تهیه کند .

لازم به تذکر است که بایستی بین شناخت سیستم حسابداری (که حسابرس عملاً در تمام حسابرسی هان نسبت به آن شناخت پیدا میکند) و شناخت سیستم کنترلهای داخلی حسابداری (که حسابرس فقط در مواردیکه بخواهد به کنترلهای داخلی در رسیدگیهای خود اتکا کند آنرا مطالعه میکند) تفاوتی قائل شد . سیستم حسابداری شامل کلیه دستورالعملها و اعمالی است که بمنظور پردازش فعل و انفعالات مالی و بعنوان ابزاری جهت نگهداری سوابق عملیاتی و وضعیت مالی موسسه بکار گرفته میشود . این اعمال مشتمل است بر کلیه اقداماتی که

۳- بیانیه شماره ۴۲ کمیته استانداردهای حسابرسی تحت عنوان " بیانیه عمومی در مورد استانداردهای حسابرسی " که در سال ۱۹۸۲ تهیه گردیده است .

جهت شناسائی ، طبقه بندی ، تجزیه و تحلیل وثبت فعل و انفعالات مالی و دادوستدهای دستگاه انجام می پذیرد. درمقابل سیستم کنترلهای داخلی حسابداری مشتمل بر کلیه اقداماتی است که در سوابق مالی ایجاد شده در سیستم حسابداری ایجاد اعتماد نموده و از اینکس دارائیهای شرکت محافظت و حراست میگردند کسب اطمینان مینمایند یک سیستم حسابداری ممکن است شامل اقداماتی گردد که ایمن اقدامات موجب نیل به اهداف کنترلی نیز بشود و در عمل نیسزد و سیستم ممکن است در مواضعی باهم تلاقی کرده و وجوه و فصول مشترکی نیز داشته باشند ولیکن حداقل از نظر تئوری - یک سیستم حسابداری ممکن است سوابق مالی قابل اعتمادی بدون آنکه سیستم کنترلهای داخلی حسابداری وجود داشته باشد ایجاد کند.

پس از اعمال حداقل بررسی و ارزیابی کنترلهای داخلی حسابداری یا به عبارت دیگر شناخت محیط کنترل و جریان اطلاعات ، حسابرس ممکت است تصمیم بگیرد که نسبت بررسی سیستم کنترلی اقدامات خود را تسری نهد . این درموقعی است که حسابرس براین باور باشد که بررسی و ارزیابی بیشتر نتیجه ای در جهت محدود کردن آزمایش های حسابرسی بدست نخواهد داد . موازین پذیرفته شده حسابرسی در اینگونه موارد بر حسابرس تکلیف میکنند که تصمیم خود را در مورد عدم اتکأ به کنترلهای داخلی حسابداری بیادداشت و بیادلائل خود در پرونده حسابرسی منعکس نماید (۴) .

لازم به تذکر است که در چنین مواردی ، حسابرس مجبور نخواهد بود که :

- ۱- در مورد سیستم کنترلهای داخلی حسابداری یاسیستم حسابداری موسسه مورد رسیدگی اقدام به جمع آوری و نگاهداری مدارک مثبت نماید .
- ۲- آزمایشهای لازم در مورد چگونگی اعمال کنترلهای داخلی را انجام دهد .

۳- بیانیه شماره ۴۳ کمیته استانداردهای حسابرسی انجمن حسابداران خبره امریکا .

۳- پرسش نامه کنترل‌های داخلی را بعنوان رعایت استاندارد دوم از استانداردهای رسیدگی حسابرسی اعمال نماید.

کافی است که حسابرس شناختی از محیط کنترل پیدانموده و نیازی به انعکاس آن بصورت مستند در سوابق نخواهد داشت. البته لازم به تذکر است که درپاره ای از موارد ممکن است نیازهای صاحبکار یاسیاستهای کاری موسسه مورد رسیدگی ایجاب نماید که مسدود کردن مستندی از گردش اطلاعات و فعل و انفعالات مالی جمع آوری شده و پرسشنامه کنترل‌های داخلی نیز تکمیل گردد.

●

کنترل‌های مدیریت و شرکا (صاحبان سرمایه)

به لحاظ آنکه در موسسات کوچکتر تفکیک وظایف بصورتی محدود انجام میگردد و صاحبان سرمایه یا شرکا در مدیریت دستگاه مباشرت دارند، بسیاری از موازین و روشهای کنترلی بالاجبار توسط صاحبان دستگاه که خود در امر مدیریت موسسه نیز مباشرت داشته و شخصا مدیریت دستگاه را برعهده دارند اعمال گردد. در عین حال قریب به ۲۰ درصد حسابرسهائی که در تحقیق فوق الذکر اقدام به دادن پاسخ نمودند اقرار کرده اند که بمنظور تعیین میزان آزمایشهای حسابرسی تا حد زیادی به کنترل‌های که توسط صاحبان و مدیریت اعمال شده اتکا نموده اند. این نتیجه گیری زیاد هم موجب تعجب نمی باشد. چرا که نظرات حرفه ای متفاوتی در مورد استناد حسابرسی به کنترل‌های اعمال شده توسط صاحبان و مدیران وجود دارد. عده ای از حسابرسان بر این باورند که چنین کنترل‌هایی از کنترل داخلی موسسات بزرگ در مواردی قوی ترند چرا که صاحب یا مدیر شرکت آگاهی مستقیم و نزدیکتری از فعالیت و کار خود دارد. در مقابل حسابرسان دیگری معتقدند که چنین اقداماتی معمولاً قابل اعتماد و اتکا نمی باشد چون ممکن است مدیر یا صاحب موسسه بالقوه چنین موازین کنترلی را پایمال کند. در کل میتوانیم چنین نتیجه گیری کنیم که کنترل‌های اعمال شده توسط صاحبان موسسه که در امر مدیریت شرکت نیز دخیلند تفاوت بنیادی با اقدامات کنترلی مورد عمل

توسط پرسنل ارشد در سازمانهای بزرگتر نداشته و بایستی به یسک نحوه با آنها برخورد نمود و آنها را مورد ارزیابی قرار داد. بعبارت دیگر صرفاً به علت آنکه اقدامات کنترلی خاصی توسط صاحبان موسسات کوچک اعمال گردیده اند نمیتوان موثر بودن آنها را نادیده گرفت. بنابراین در ارزیابی چنین موازین کنترلی، حسابرس بایستی بدو "مناسب بودن آنها را از نظر برآوردن نیازهای کنترل دستگاه ارزیابی نموده و سپس بایستی نحوه بکارگیری آنرا در نظر بگیرد. در نهایت حسابرس بایستی ریسک پایمال شدن دستورالعملهای کنترلی را بررسی نموده و چنانچه نتوان به اقدامات کنترلی مورد بحث اتکا و اعتماد نمود، لازم است به سایر اقدامات نظیر آزمایش بیشتر، پرس و جو، کنترل محاسبات، مذاقه و امثالهم روی آورد.

تائید نامه مدیریت

بالغ بر ۲۵ درصد از پاسخ دهندگان به پرسشنامه تحقیق فوق غالباً در مورد تفهیم لزوم اخذ تائیدیه از شرکتهای مورد رسیدگی و "تائید نامه مدیریت" و معنی آن دچار اشکالاتی بوده اند. بعنوان یکی از روشهای متداول و پذیرفته شده حسابرسی، اخذ تائید نامه از مدیریت دستگاه صاحبکار الزامی است و بصورت یکی از استانداردهای رسیدگی بایستی اعمال گردد. بیانیه شماره ۱۹ کمیته استانداردهای حسابرسی انجمن حسابداران خبره امریکا ضمن الزامی دانستن اخذ تائیدیه از مدیریت فرم استاندارد رانیز برای آن تعیین نموده است. این فرم بیشتر برای استفاده در شرکتهای بزرگ یا متوسط مورد دارد. لازم است برای استفاده در شرکتهای کوچکتر، این فرم عمومی را متناسب با کار و شرایط صاحبکار تغییر داد. تغییراتی که در اینگونه موارد ضروری بنظر میرسد عبارتند از:

- ۱- تائید اینکه مدیریت دستگاه، کلیه اصلاحات پیشنهادی حسابرسان و تعدیلات را در دفاتر ثبت کرده است.
- ۲- تائید این مطلب که دادوستادها و معاملات شخصی مدیران یا صاحبان موسسه از دادوستادهای موسسه تفکیک گردیده اند.

ک. تأیید اینکه نقاط ضعف با اهمیت در سیستم کنترل‌های داخلی
موسسه مورد رسیدگی به اطلاع مدیریت رسیده است .

(بایستی توجه داشت که بند آخر بخصوص در مواردیکه نقاط ضعفی
در سیستم کنترل‌های داخلی موسسه ملاحظه گردیده وبصورت شفاهی به
اطلاع صاحبکار رسیده است از اهمیت خاصی برخوردار است .)

البته غالباً "مشا هده شده است که صاحبکاران از ارائه تأییدیه
بخصوص در مواردیکه برای آنها مطلب قابل درک نیست و تفهیم نشده
است سرباز می زنند . بنابراین ضروری بنظر میرسد که موارد غیر
عادی والفاظی نظیر بدمی های احتمالی ، تعهدات سرمایه ای وامثالهم
وحتی در مواردی اصول حسابداری برای صاحبکار تشریح گردیده و در
عین حال جزئیات تأیید نامه به دقت با صاحبکار مورد تجزیه و تحلیل
و بررسی قرار گیرد .

● اخذ تأییدیه از اشخاص سایر

طبق روشهای معمول حسابرسی ، حسابرس در مورد حسابهای
شرکت با اشخاص از ایشان اقدام به اخذ تأییدیه میکند . همچنین
در مورد دعاوی حقوقی که بر علیه شرکت اقامه گردیده اند ونتایج
احتمالی آنها و تأثیرات آن ها بر حسابهای شرکت ، ممکن است
حسابرس اقدام به اخذ تأییدیه یا کسب نظر از مشاورین حقوقی
شرکت یا وکلای آنها بنماید . اغلب موسسات کوچکتر فاقد مشاور
حقوقی ثابت یا وکیل دعاوی برای پیگیری مسائل حقوقی شرکت هستند
در نتیجه امکان کسب اطلاعات در خصوص نتایج احتمالی دعاوی شرکت
از چنین منابع خارجی وجود ندارد . در حال حاضر در ادبیات
حرفه ای موجود هیچگونه دستور العمل یا استاندارد خاصی در این مورد
تهیه نگردیده است . توصیه میگردد که تحت اینگونه شرایط حسابرس
از مدیریت نامه ای دال بر عدم مراجعه به مشاور حقوقی یا وکیل
دعاوی در خصوص دعاوی شرکت اخذ نماید . بعلاوه در چنین تأیید
نامه ای لازم است مدیریت شرکت اعلام نماید که هیچگونه دعاوی
دیگری بجز آنچه به اطلاع حسابرس رسیده بر علیه شرکت اقامه

نگردیده است . البته علاوه بر اخذ چنین تائیدیه ای لازم است حسابرس خود با بررسی مدارک و سوابق حسابداری هر گونه پرداخت به مشاورین حقوقی یا وکلای دعاوی توسط شرکت را بدقت معاینه نموده و دلائل انجام چنین پرداختهایی را مشخص نماید و نسبت به دعاوی حقوق شرکت و تائید نامه مدیریت جداگانه اطمینان کسب نماید . نظربه وجود اشکالاتی که معمولا" در پاسخ های وکلای دعاوی و مشاورین حقوقی شرکتها در مورد دعاوی اقامه شده بر علیه شرکت وجود دارد و به به علت عدم وجوددقت کافی در پاسخ های ایشان موارد زیر توسط مجامع حرفه ای توصیه گردیده اند :

- چنانچه وکیل دعاوی یا مشاور حقوقی دستگاه نتواند در خصوص نتایج احتمالی دعاوی اظهار نظر نماید ، حسابرس بایستی رسماً از وی بخواهد که مورد همراه با ذکر دلائل خود صراحتاً اعلام نماید .

- حسابرس بایستی برای وکیل یا مشاور حقوقی دستگاه به روشنی مشخص کند که هر گونه عدم تائید موجب پیگیری بعدی امر توسط حسابرس خواهد گردید .

- حسابرس بایستی از وکیل یا مشاور حقوقی دستگاه بخواهد که تاریخ موثر پاسخ خود را دقیقاً مشخص نماید تا از هر گونه تحریف احتمالی پاسخ در آینده اجتناب گردد .

نقاط ضعف با اهمیت در سیستم کنترل‌های داخلی

حسابرس موظف است که نقاط ضعف با اهمیت موجود در سیستم کنترل‌های داخلی موسسه صاحبکار را با مدیریت موسسه اعلام نماید . منظور از نقاط ضعف با اهمیت کنترل‌های داخلی شرایطی است که بموجب آنها موازین کنترلی و روشهای مورد عمل و نحوه رعایت آنها بصورتی در آینده موجب ریسک نسبی وقوع اشتباهات غیر عادی در اقلامی که در صورت‌های مالی از اهمیت نسبی برخوردارند گردد و در طی جریان عادی کار روزمره حسابداری موسسه نیز توسط کارکنان کشف

نگردند (۵).

در پاسخ به پرسشنامه ارسالی درصد بالایی از حسابرسان شرکت کننده در تحقیق اعلام کردند که بارها به علت آنکه هزینه بر طرف کردن اینگونه نقاط ضعف در موسسات کوچکتر از فواید آن بیشتر بوده، چنین مواردی را به اطلاع مدیریت صاحبکار نرسانده اند. یکی از معمولترین مثالها در این مورد عدم امکان تفکیک وظایف بصورت مطلوب در یک سازمان کوچک به علت هزینه سنگین آن برای موسسه میباشد. یادآوری مینماید که در اینگونه موارد لازم است بهر حال حسابرس نقاط ضعف را افشا نموده و به اطلاع مدیریت شرکت صاحبکار برساند (۶).

بر اساس دستورالعمل عمومی حسابداری و حسابرسی انجمن حسابداران خیره امریکا، کلیه اینگونه موارد بایستی به صاحبکار اعلام گردد بطوریکه حداقل اطلاعات زیر افشا گردد:

- اولاً بایستی حسابرس افشا نماید که بررسی و ارزیابی سیستم کنترلهای داخلی بصورت محدود و برای انجام مقاصد خاصی صورت گرفته است.
 - ثانیاً حسابرس مشخص نماید که قادر به اظهار نظر در مورد سیستم کنترل داخلی نیست.
 - ثالثاً نقاط ضعف با اهمیت تعریف و برای شرکت مورد رسیدگی مشخص گردند.
 - رابعاً اعلام نماید که این نقاط ضعف در تهیه برنامه حسابرسی مدنظر قرار داشته اند.
- و در نهایت:
- در متن گزارش خود در مورد ضعف کنترلهای داخلی محدود بودن توزیع آن و جنبه محرمانه آنرا ذکر نماید چنانچه حسابرس موارد فوق را بصورت شفاهی به صاحبکار اعلام نموده باشد، کافی است مورد را در کاربرگهای حسابرسی و پیرونده خود منعکس نماید ●

۵- بیانیه شماره ۲۰ استانداردهای حسابرسی.

۶- همان بیانیه.